



۱۸۸ کشته در مناطق مسکونی

رضا مومنی، رئیس اداره عملیات و جست‌وجو و آنست سازمان امداد و نجات هلال احمر اعلام کرد، در حملات اسرائیل به ساختمان‌های مسکونی، ۱۴ نفر زنده از زیرآوار نجات پیدا کردند و ۱۸۸ شهید نیز توسط سگ‌های آنست پیدا شدند. به گزارش ایسنا، رئیس اداره عملیات و جست‌وجوی هلال احمر درباره عملیات‌های امداد و نجات گفت: «باتوجه به گستردگی انفجارها و تخریب‌ها، به ۲۴ استان فراخوان ردیم و در مجموع ۵۱ تیم آنست، هر تیم شامل یک قلابه سگ و یک نفر مربی، برای شرکت در عملیات‌ها تشکیل دادیم. همچنین باتوجه به افزایش حملات در پایتخت، ۱۸ تیم نیز از سایر استان‌ها به تهران اعزام شدند.» به گفته او در بازه زمانی حملات، ۲۵۳ عملیات جست‌وجو و نجات انجام شد که در این عملیات‌ها سگ‌های ما توانستند ۱۴ نفر از مصدومان رانده از زیرآوارها نجات دهند و پیکر ۱۸۸ شهید نیز از زیر آوار توسط سگ‌ها شناسایی شد که بیرون کشیده شدند. در طول ۱۲ روز جنگ، مجموعاً تیم‌های آنست هلال احمر ۱۸۱ ساعت جست‌وجو انجام دادند و به دلیل وجود گازهای سمی، دودگر فکگی و استرس، دو قلابه سگ کشته شدند.



هشدار ورود گردوغبار به تهران

سازمان هواشناسی نسبت به وزش باد شدید و خیزش گردوخاک از سه‌شنبه ۱۰ تیرماه در تهران هشدار داد. به گزارش خبرآنلاین، اداره کل هواشناسی استان تهران با صدور هشدار زردرنگ، آورده است: از سه‌شنبه تا شنبه (دوم تا چهاردهم تیرماه) در بعضی ساعت‌ها وزش باد شدید، در بخش‌های جنوبی و غربی گاهی همراه با گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. براساس اعلام اداره کل هواشناسی استان تهران، تا روز پنجشنبه (۱۲ تیرماه) ماندگاری هوای گرم و از پنج‌شنبه شب، کاهش نسبی دما پیش‌بینی می‌شود. اداره کل هواشناسی استان تهران نسبت به احتیاط در عبور و مرور جاده‌ای، اطمینان از استحکام سازه‌های موقت و سست مانند داربست‌ها و تابلوهای تبلیغاتی، عدم استقرار در تاسیسات و مکان‌های مرتفع مانند برج‌ها و دکل‌ها و داربست‌ها، اجتناب از پرواز گلایدر و هواپیماهای سبک و بالگرد، عدم تردد و توقف کنار درختان و سازه‌های ناتمام، مستحکم‌سازی پوشش گلخانه‌ها، احتیاط کامل در انجام امور عمرانی محافظت از تاسیسات حساس به گردوخاک و استفاده از ماسک بهداشتی در مناطق متأثر از گردوخاک توصیه می‌کند.



شهادت ۲۰ دانش‌آموز

رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با تبریک و تسلیت به خانواده‌های شهیدای دانش‌آموز و فرهنگی، گفته است که در جریان تجلوزات اخیر رژیم صهیونیستی به کشور، ۲۰ نفر از دانش‌آموزان عزیز کشور و شماری از فرهنگیان گرانقدر، به فیض شهادت نائل آمدند. او در ادامه با بیان اینکه در صورت وجودداشتن امکان برگزاری حضوری، کلاس‌ها از طریق شبکه شاد و به‌صورت تعاملی برگزار می‌شود، گفت: «ظرفیت جدید ایجادشده در شبکه شاد، امکان حضور هم‌زمان معلم و حداکثر ۴۰ دانش‌آموز را در یک کلاس مجازی فراهم کرده است.»

گفت‌وگوی «هم‌میهن» با ۷ فعال زن از فلسطین، عراق، سوریه، لبنان و افغانستان درباره تجربه زندگی در جنگ

زنانی که با بمب آزاد نشدند

به زنان ایران بگویید اجازه ندهید کسی داستان تان را به جای تان بنویسد



عکس: Gettyimages

مقاومت کنیم، چگونه سازماندهی کنیم، چگونه بجنگیم. هیچ دولتی که خودش عامل جنگ، اشغال یا غارت منابع است، جایگاه اخلاقی ندارد که از آزادی حرف بزند.» او هشدار می‌دهد که بسیاری از جنبش‌های پیشرو ممکن است توسط پروژه‌های امپریالیستی ربهود شوند و در این صورت، تمرکز از عدالت و ساختار شکنی منحرف می‌شود و به «نماینده‌ی برابر» در ساختارهای فاسد محدود می‌ماند: «این خطرناک است. چون کشورهایی مثل آمریکا، اسرائیل یا آلمان، شعارهای اخلاقی را ابزاری می‌کنند برای پنهان کردن اهداف توسعه‌طلبانه‌شان.» به گفته فیدا، یکی از ترنفندهای رایج غرب این است که زنان خاورمیانه را تنها به‌عنوان قربانی نشان دهد: قربانیانی که انگار منتظرند مرد «متمدن» سفید بیاید و نجات‌شان دهد: «این تصویر نه‌تنها تحقیرآمیز است، بلکه برای آن‌ها سوادآور است چون در سایه همین روایت، می‌توانند به‌راحتی درباره اشغالگری و ساختارهای قدرتی که خودشان ساخته‌اند، سکوت کنند و همه‌چیز را گردن «فرهنگ» یا «مذهب» بیاورند. فیدا هیچ‌وقت از دولت‌های خارجی انتظار حمایت برای رهایی نداشته و معتقد است، نباید هم داشته باشیم. «وقتی آن‌ها از «حقوق زنان» حرف می‌زنند، اغلب برای توجیه سیاست‌های نظامی‌شان است، نه برای همدلی با ما.» و این فقط درباره فلسطین یا غزه نیست؛ فیدا معتقد است، جنبش‌های زنانه در ایران هم باید مراقب مصادره شدن باشند. به گفته او، جنبشی که از دل مردم برخاسته، تنها زمانی می‌تواند اصالت و قدرت‌ش را حفظ کند که از درون هدایت شود، نه با مداخله قدرت‌های خارجی: «ما باید اختیار کامل بر جنبش‌مان داشته باشیم. هیچ کشوری که در کارنامه‌اش استعمار، خشونت و جنگ هست، نمی‌تواند برای ما تعیین تکلیف کند. این حق اخلاقی را ندارد.»

روایاتی از لبنان: همان تاکتیک کهنه

سال‌هاست که زنان لبنانی، بار سنگین خشونت، بحران و فقر را بر دوش می‌کشند؛ زنانی مثل «مایا» که نه‌فقط رویانگر جنگ، بلکه بخشی از آن بوده‌اند. خبرنگار و فمینیستی که در دل لبنان زندگی کرده، بحران‌هایش را دیده، لمس کرده و حالا با صدایی پر از تجربه و ایستادگی، از واقعیت زندگی زنانی می‌گوید که در دل ویرانی، ستون خانواده‌ها شده‌اند.

مایا از محل زندگی‌اش، جنوب لبنان می‌گوید: جایی که در ماه‌های اخیر، بار دیگر هدف بمباران اسرائیل قرار گرفت و هزاران خانواده، خانه و زمین خود را از دست دادند. عمده زیاده‌ی هنوز نتوانسته‌اند به خانه‌شان بازگردند: «در لحظات بحرانی، این زنان بودند که مراقب اطرافیان‌شان شدند. حتی در پناهگاه‌های موقت و پر جمعیت، با دست‌های خالی آشپزخانه ساختند، برای کودکان فضایی برای بازی و یادگیری فراهم کردند. آن‌ها بودند که اجازه ندادند خانواده‌ها از هم بپاشند.»

در اواخر ۲۰۲۴، بیش از ۵۰ درصد از ۱/۲ میلیون آواره داخلی لبنان، زنان و کودکان بودند. در میان‌شان حدود ۱۲ هزار زن باردار بودند که اغلب به خدمات پزشکی ابتدایی هم دسترسی نداشتند و این فقط یک برش از واقعیت است؛ بحران اقتصادی پس از ۲۰۱۹، همه‌گیری کرونا و انفجار بندر بیروت، فشار را بیشتر کرد، به‌ویژه بر دوش زنانی که در مشاغل کوچک و مستقل فعالیت داشتند.

مایا لبنان را «کشوری از بحران‌های پشت‌سرهم» توصیف می‌کند: «از جنگ داخلی سال ۱۹۷۵ تا امروز، پنج نسل رشد کرده‌اند که هر یک، دست‌کم یک بحران امنیتی یا اقتصادی عمیق را تجربه کرده‌اند. «هر نسل، امیدوار بود نسل بعدی در صلح زندگی کند اما ما یاد گرفته‌ایم همیشه آماده باشیم؛ منتظر ضربیه‌ی بعدی. این همه، در دل ساختارهایی مردسالارانه و قوانین تبعیض‌آمیز شکل گرفته که زن را در حاشیه‌نگه می‌دارد.» او از نوعی خشونت پنهان می‌گوید: خشونتی که جسم‌رانی‌گشدا اما روح‌افرسوده می‌کند:

او معتقد است، شعارهایی که در روزهای اشغال شنیده می‌شد، از آموزش زنان تا حمایت از سازمان‌های مدنی، فقط نقابی بودند برای پنهان کردن شکست: «در ظاهر، کارگاه‌ها و سمینارهایی برگزار شد، اما در عمل، زنان را بدون هیچ سپری در برابر جامعه‌ای مردسالار‌ها کردند. فعالان زن، مترجمان و روزنامه‌نگاران همه متهم شدند به خیانت یا همکاری با اشغال. ما نه حمایت شدیم، نه شنیده.» آیه می‌گوید که فریبکاری، بخشی از الگوی تکراری آمریکاست: «شعارها همان است: آزادی، حقوق بشر، نجات زنان. اما در پس این واژه‌ها، همیشه پروژه‌ای سیاسی پنهان شده. و چون ما زنان از امید محروم شده‌ایم، گاهی باورمان می‌شود.» او می‌داند که اشغال هیچ‌گاه به‌رایی منجر نمی‌شود: «تنها راه واقعی مقاومت این است که اجازه ندهیم از درد و رنج ما استفاده ابزاری شود. وقتی قدرت‌های خارجی شعارهای فمینیستی را به‌کار می‌گیرند، آن‌ها را تهی می‌کنند، از معنا خالی می‌کنند و به ابزار تبلیغات جنگی تبدیل‌شان می‌کنند؛ این، نجات نیست. این، مصادره است.» آیه حالا معتقد است که وقتی نتایج‌هاو از «زن، زندگی، آزادی» حرف می‌زند، فقط ماسکی برای جنایت است؛ همان الگو، همان شعار و همان دروغ. «ما زنان را نماد می‌کنند، نه انسان. ما را در لحظه‌ای خاص بر جسته می‌کنند اما فقط برای توجیه یک سیاست. وقتی دیگر نیازی نیست، کنارمان می‌گذارند.»

او حمایت عمیق خود را از زنان ایران، سوریه و افغانستان چنین اعلام می‌کند: «من حامل همبستگی‌ای بی قید و شرطم. به زنان ایران می‌گویم: اجازه ندهید کسی داستان تان را به‌جای تان بنویسد. این روایت‌ها، دارایی ما هستند. اما امروز می‌بینیم که آن‌ها از ما ربوده می‌شوند؛ از ما استفاده می‌کنند، بی‌آنکه نگران زندگی‌مان باشند.» و در پایان، هشدار می‌دهد: «وقتی از جامعه جهانی می‌خواهیم وضعیت‌مان را ببینند، می‌گویند این‌ها «مسائل داخلی» است. اما اگر منافع‌شان اقتضا کند، ناگهان زندگی ما برایشان مهم می‌شود. این انتخابی بر خورد کردن یا رنج، بدترین شکل استعمار است.»

روایتی از غزه: «خودمان می‌دانیم چگونه مقاومت کنیم»

«فیدا» ننی است از دل جنگ؛ پژوهشگر مطالعات جنسیت، متولد غزه و بزرگ‌شده همان‌جا. سال‌ها جنگ را با گوشت و پوست‌اتش لمس کرده و از زمانی که به یاد دارد، سایه بمب و اشغال بر زندگی‌اش افتاده. اما آن‌چه در دو سال گذشته بر سرش آمده، از جنس دیگری است؛ ویرانی کامل، از دست دادن دوستان، عزیزان و محوشدن شهری که خانه‌اش بود. در میان تمام این ویرانی‌ها، زنان به گفته او، بیشترین قربانیان بوده‌اند.

فیدا وقتی استفاده بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، از شعار «زن، زندگی، آزادی» در توجیه حملاتش به ایران را شنید، اصلاً تعجب نکرد و با خودش فکر کرد این کاری است که رژیم اسرائیل همیشه بلد بوده: استفاده ابزاری از رنج دیگران برای توجیه خشونت خودش. «این نشان‌دهنده یک ذهنیت استعمارگر و نژادپرستانه است که دیگران را غیرانسانی می‌بیند. فیدا، نتانیاهو را در کنار سیاستمدارانی مانند ترامپ قرار می‌دهد؛ چهره‌هایی که از نگاه او، جنبش‌های مردمی را تنها زمانی به‌رسمیت می‌شناسند که قابل مصادره باشند: «هر زمان که یک جنبش بتواند به ماشین جنگ، اقتصاد یا منافع ژئوپلیتیک آن‌ها کمک کند، آن را تصاحب می‌کنند. گفتن این که «مبمباران می‌کنیم تا زنان را آزاد کنیم»، چیز جدیدی نیست. در افغانستان هم همین را گفتند، در عراق هم و حالا نوبت ایران شده. این گفت‌مان در غرب قابل قبول است چون نژادپرستی، برتری طلبی سفیدپوستان و اسلام‌هراسی، ریشه‌دار است.»

در مقابل این گفت‌مان‌های تحریف‌شده، فیدا بر یک واقعیت ساده اما مهم تأکید می‌کند: «درست است که زنان در منطقه ما تحت ستم‌اند، اما این مبارزه ماست. ما خودمان بلدیم چگونه

الهه محمدی

خبرنگار گروه جامعه

اولین تصویری که در ذهن ۱۱ ساله «آیه» نقش بست، اتفاقی تاریک بدون برق بود و زنانی که بالای بقایای بدن غمویش فریاد می‌زدند؛ تکه‌ای سوخته به اندازه یک کف دست، بعد از یک حمله هوایی آمریکایی. او از همان لحظه، ذهنش را با تصویر زن شکسته و سوگوار در بغداد وفق داد. درست مثل «فیدا» از فلسطین، «مایا» و «دیانا» از لبنان، «اولا» از سوریه و «مزدا» و «زویا» از افغانستان؛ فعالان حقوق زنان، روزنامه‌نگارانی که در گفت‌وگو با «هم‌میهن» از روزگار زنان در جنگ می‌گویند، زنانی که نیروهای خارجی می‌خواستند آزادشان کنند، اما آن‌چه نصیب‌شان شد، آوار، اشغال و شکاف‌های عمیق اجتماعی بود.

حالا یکی از خشونت‌بارترین رهبران نظامی جهان، بنیامین نتانیاهو، با استناد به‌نام مهسا امینی و شعار «زن، زندگی، آزادی»، تلاش می‌کند حمله خود به ایران را با رنگ و بوی عدالت‌خواهی توجیه و «حقوق زنان» را به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به جنگ و اشغال تبدیل کند؛ همان رهبری که در دو سال گذشته هزاران زن را در غزه به کام مرگ کشاند. الگویی آشنا از سوء‌استفاده‌ای امپریالیستی که بارها در خاورمیانه تکرار شده.

برای آیه و دیگر زنان عراقی، اشغال آمریکا هیچ‌وقت آزادی‌بخش نبود؛ زنان با فرزندان‌شان بازداشت و شوهران جلوی خانواده‌شان کشته شدند و همه این‌ها توسط سربازانی انجام شد که از صلح حرف می‌زدند، درحالی‌که سلاح در دست داشتند. آن‌چه رخ داد، نجات نبود، شکلی دیگر از ویرانی بود. زنان عراقی آزاد نشدند؛ میان استبداد و آتش بیگانه که در لباس وعده‌ها آمده بود، له شدند. حالا هر یک از این فعالان زن که از دل جنگ و ویرانی برخاسته‌اند نه‌فقط راوی تجربه شخصی، بلکه صدایی جمعی‌اند؛ صدای زنانی که مقاومت را زندگی کرده‌اند و نپذیرفته‌اند که با بمب، آزاد شوند.

روایتی از عراق: رهایی دروغین، زنجیر واقعی

«آیه»، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان از عراق، یک‌بار تلاش کرده بشمارد چند زن را در طول سال‌ها از دست داده اما خیلی زود از شمردن دست کشیده، چون حس کرده ممکن است قلبش از درد از هم بپاشد. آیه، کودکی‌اش را با خاطره تکه‌ای سوخته از بدن غمویش آغاز کرد و صدای فریاد زنانی که در اتفاقی بی‌برق، بر آن مویه می‌کردند. از همان لحظه، تصویر زن شکسته در ذهنش حک شد؛ زنی که در نظام‌های سرکوبگر، بار جنگ، اعدام، ناپدید شدن و تبعیض را با تن و جان تحمل می‌کرد. در دوران صدام، معمول بود که پسری به‌دلیل داشتن کتابی مذهبی یا کمونیستی در خانه، جلوی چشم مادرش اعدام شود. بعد از ۲۰۰۳، صحنه تغییر نی‌کرد، فقط روش‌ها عوض شد. مردها اعدام یا ناپدید می‌شدند و تعداد زیادی هرگز بازنگشتند، حتی به‌شکل جنازه. تنها تکه‌ای که به‌مادران‌شان رسید، غیبت بود.

آیه می‌گوید آمریکا بعد از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، آن سیستم خشونت‌بار علیه زنان را از بین نبرد، بلکه آن را قوی‌تر کرد: «صدام باید می‌رفت، اما نحوه رفتنش، فقط ویرانی را عمیق‌تر کرد. آمریکا تصمیم گرفت عراق چگونه «تغییر» کند، حاکمان جدید را انتخاب کرد و اولویت‌هایی را به کشور تحمیل کرد که هیچ ربطی به خواست مردم نداشت. عراق برای زنان نه آزاد شد، نه امن؛ فقط شکل دیگری از زندان بود و همچنان همین است.» به اعتقاد آیه، آمریکا نه‌تنها زنان عراقی را آزاد نکرد، بلکه قدرت را به‌دست مردانی سپرد که از زنان نفرت داشتند: «قانون اجازه می‌دهد دختری کودک به عقد یک مرد بزرگسال دربیاید. به مرد اجازه داده شده که به‌نام «مردانگی»، زنی از خانواده‌اش را بکشد و از مجازات هم بگریزد. آنچه ما داریم، تقویت خشونت قانونی شده علیه زنان است، نه اصلاح.»

دیانا، فعال زنان لبنانی:

حرف‌های نتاهیاهو

درباره زنان ایران

همان الگویی است

که در لبنان و دیگر

جاها هم دیده

است؛ قدرت‌هایی

که زبان فمینیستی

را قرض می‌گیرند

تا خشونت‌شان را

بیوشانند: «همان‌طور

که بعضی از

نهادهای خارجی یا

سیاستمداران از حقوق

زنان برای توجیه

برنامه‌هایی استفاده

کرده‌اند که هیچ

ربطی به رهایی واقعی

ندارند. وقتی فمینیسم

ابزار تبلیغاتی می‌شود،

بخشی از ماشین جنگ

می‌شود، نه ابزاری

برای صلح.»